



تحقق حاکمیت توحید بر همه شئون زندگی با تعریف انسان به «حی متأله»

با توجه به تعریف انسان به «حی متأله» از سوی علامه جوادی آملی، در تبیین رویکرد حداکثری ایشان در مبحث گستره دین باید گفت که با تعریف انسان به موجود زنده‌ای که به سمت خدا گرایش دارد، توحیدی بودن، باید بر همه شئون زندگی انسانی حاکم باشد.

با توجه به تعریف انسان به «حی متأله» از سوی علامه جوادی آملی، در تبیین رویکرد حداکثری ایشان در مبحث گستره دین باید گفت که با تعریف انسان به موجود زنده‌ای که به سمت خدا گرایش دارد، توحیدی بودن، باید بر همه شئون زندگی انسانی حاکم باشد.

روح‌الله شمشیری، دانش آموخته حوزه و دانشگاه و پژوهشگر دینی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به وجود دو رویکرد حداکثری و حداقلی در مبحث گستره دین، گفت: رویکرد حداقلی که تحت تأثیر مسیحیت رواج یافته است، دین را به حوزه شخصی محدود می‌کند، اما رویکرد حداکثری دین را دارای کارکرد در همه حوزه‌های زندگی انسان، اعم از فردی و جمعی می‌داند.

رویکرد آیت‌الله العظمی جوادی آملی در بحث گستره دین رویکردی حداکثری است

شمشیری با بیان این که رویکرد آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در بحث گستره دین رویکردی حداکثری است، اظهار کرد: آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی علاوه بر وجه اخروی دین، بنا بر طریقت دنیا برای ساخته شدن آخرت، دین را دارای کارکرد در امور دنیوی نیز می‌داند، ولی ایشان معتقدند برخلاف بعضی از حوزه‌ها که دین در آن‌ها به تفصیل سخن گفته است، در بعضی دیگر از زمینه‌های گستره زندگی انسان، هر چند کلیات را بیان کرده، اما به صورت جزئی به آن‌ها نپرداخته است.

وی ادامه داد: در واقع ایشان معتقدند که دین يك سری کلیات را در همه ابواب ارائه می‌دهد و در برخی موارد همچون علوم تجربی و ریاضی و ... جزئیات به عهده خود انسان‌ها واگذار شده است، اما کلیات و یا جزئیات بیان شده از سوی دین نیز حتماً باید مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

براساس نظر ایشان ما اصول را از دین می‌گیریم، اما در برخی از زمینه‌ها این عقل است که فروع را استخراج و تنظیم می‌کند؛ چه در آن زمینه گزاره‌ای در دین وجود داشته باشد یا نه؛ اما اگر اساس و پایه درست باشد با وجود جایزالخطا بودن عقل، هیچ گاه انحراف اساسی ایجاد نخواهد شد

شمشیری افزود: برای مثال، آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در رابطه با طب می‌فرمایند که براساس موضع و نظر دین در طب، انسان باید به عنوان يك انسان دیده شود و نه يك حیوان؛ چرا که انسان علاوه بر موجودیت خاکی صاحب موجودیتی ماورائی است. این اصلی است که در آموزه‌های اسلامی مندرج است و بر این اساس می‌توان بر این امر تأکید کرد که در طب و البته در دیگر علوم، نباید انسان با حیوانات کاملاً یکسان در نظر آورده شود. در این صورت اگر علم بر اساس‌هایی این چنین استوار شود، کارکردها و جهت‌گیری‌هایی متفاوت خواهد یافت.

این پژوهشگر دینی در خصوص مبحث حکومت و سیاست عنوان کرد: همچنین در زمینه حکومت نیز اسلام با تأکید بر این که حکومت از آن خداست و ولایت پیامبر(ص) و معصومین(ع) و ولایت فقیه در ادامه آن قرار می‌گیرد، در برخی موارد احکامی را صادر کرده است و بقیه موارد را به تجربیات و آزمون و خطای بشری سپرده است و البته در این موارد نیز روح شریعت اسلام، خصوصاً توحید، باید در ساختار حکومت و قوانین به عنوان يك راهبرد اصولی حفظ شود. بنابراین اگر مواردی از تجربیات دیگران و برای مثال غرب اخذ می‌شود، نباید انسان‌محوری حاکم بر ساختار و فرهنگ غرب را نیز اخذ کنیم و آن را ملاک قانون‌گذاری قرار دهیم.

تبیین گستره حداکثری دین بر اساس مفهوم «حی متأله»

شمشیری با اشاره به مفهوم «حی متأله» که از سوی آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی برای تعریف انسان مطرح شده است، بیان کرد: خدامحوری اساس فرهنگ و اندیشه اسلامی است و پس از آن، مبنایی که در امر حکومت اسلامی مطرح است، خلیفه اللهی انسان است، اما براساس نظر علامه جوادی آملی این انسان، نه حیوان ناطقی است که اسیر غرایز قرار می‌گیرد، بلکه «حی متأله»، به معنای موجود زنده‌ای است که به سمت خدا گرایش دارد.

وی با بیان این که با محور قرار گرفتن چنین انسانی، حکومت توحیدی خواهد بود، اظهار کرد: اگر بر حیوانیت انسان تأکید شود، امر

منجر به همان چیزی خواهد شد که در غرب پدید آمده است؛ که چه در فرهنگ و چه در علم و صنعت دچار انحرافات است که به واسطه شکل گرفتن نیازهای کاذب، در نتیجه تأکید بر جنبه‌های غریزی، ایجاد شده است. در واقع در فرهنگ غربی علم و صنعت نیز که دارای کارکردهایی اصیل برای رفع نیازهای واقعی است، تحت‌الشعاع نیازهای کاذب قرار گرفته‌اند و چرخه‌ای معیوب را موجب شده‌اند؛ در حالی که در یک ساختار الهی، نیازهایی از انسان محل توجه است که با ساختار الهی انسان و گرایش او به خداوند همسو باشد.

در فرهنگ غربی علم و صنعت نیز که دارای کارکردهایی اصیل برای رفع نیازهای واقعی است، تحت‌الشعاع نیازهای کاذب قرار گرفته‌اند و چرخه‌ای معیوب را موجب شده‌اند؛ در حالی که در یک ساختار الهی، نیازهایی از انسان محل توجه است که با ساختار الهی انسان و گرایش او به خداوند همسو باشد

اگر عقل کارکردی توحیدی پیدا کند، چراغی است که از سوی خداوند به ما داده شده است

این دانش آموخته حوزه و دانشگاه با اشاره به این مطلب که البته سرمایه عقلانی فراهم آمده انسانی نیز در اسلام مورد توجه و مقبول است، خاطرنشان کرد: هر چند این عقل ممکن است در جاهایی دچار خطا شود، اما بعضی از زمینه‌های زندگی انسان به همین عقلی سپرده شده است که خداوند به انسان عطا کرده و آن را با فرستادن پیامبران برونی، یاری و تکمیل کرده است. این مفهومی است که در متون دینی ما مطرح شده و آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی نیز، با استناد به همین مطلب، معتقدند که اگر عقل کارکردی توحیدی پیدا کند، چراغی است که از سوی خداوند به ما داده شده است.

شمشیری افزود: در واقع براساس نظر ایشان ما اصول را از دین می‌گیریم، اما در برخی از زمینه‌ها این عقل است که فروع را استخراج و تنظیم می‌کند؛ چه در آن زمینه گزاره‌ای در دین وجود داشته باشد یا نه؛ اما اگر اساس و پایه درست باشد با وجود جایز الخطا بودن عقل، هیچ‌گاه انحراف اساسی ایجاد نخواهد شد و برای مثال آن چه که در غرب، به واسطه اساس قرار گرفتن حیوانیت انسان و غرایز او، پدید آمده است، برای ما روی نخواهد داد.

وی با بیان این که مسئله اصلی در این زمینه این است که مبنا را چه چیزی قرار دهیم، عنوان کرد: رویکرد حداکثری علامه جوادی آملی درباره گستره دین در یک منظومه فکری مطرح می‌شود که می‌توان آن را از منظر مفهوم ««حی متأله» مورد توجه قرار داد. بر این اساس در تبیین رویکرد حداکثری علامه جوادی آملی درباره گستره دین باید گفت که با توجه به تعریف انسان به ««حی متأله»، توحیدی بودن، مؤلفه‌ای است که باید بر همه شئون زندگی انسانی که ذاتاً جویای خدا دانسته می‌شود، حاکم باشد.